

گردان نامه

کوثر رسول ﷺ

از گردان حضرت زهرا علیها السلام - سوره کوثر

ای رسول ما! چه ایت‌رند دشمنانت که به اعتبار کتک‌هایشان تو را ابتر می‌خوانند، حال آن که ما تو را کوثر عطا کردیم...

و اینک ای رسول ما به زیباییِ کوثرِ حمد کن مرا با صلاتت، و کوثرِ را در عالمیان جاری کن که تو به هدایتِ بندگانم از خودشان مشتاق تری...

آری کوثر، آن عطایِ کوثرانه ما به تو، را جاری کن در پهنایِ کربلا، نه؛ در پهنایِ

تکاثره‌ای که کوثر

از گردان حضرت مریم علیها السلام - سوره های کوثر و تکاثر

به عقب که نگاه می‌کنیم می‌بینیم همیشه در دلمان خواسته و تمنایِ دنیایی بوده است. یک بار خواسته یک چهاردیواری کوچک، یک بار چهار چرخ یا چهار پایه و بعدها از هر چیز بهترش را خواستیم!!

یک بار آرزویِ قبولی در فلان دانشگاه یا فلان رشته را داشته‌ایم و یک بار ...

زمان خواهد گذشت، آرزوهایِ خودمان را در فرزندانمان جستجو خواهیم کردیم و این خواسته ها و آرزوها تمامی نداشته و ندارد.

هر زمان به خواسته‌ای رسیدیم، یادمان رفت زمانی آن را نداشته‌ایم و برای داشتن آن تلاش کرده‌ایم. بدون آن‌که خودمان توجه داشته باشیم آرزویِ دیگری جای آن را می‌گیرد. هیچ کدام از این رسیدن‌ها آن آرامش و رضایتی را که در تصوراتمان

به برکت صبر

از گردان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله - سوره رعد

درس هفتم کتاب تدبر سوره‌ای به مبحثِ احکام و تفصیل می‌پردازد. طبق الگوی مطرح شده در این درس با پنج گام می‌توانیم به غرض سوره نزدیک شویم: گام اول) مشخص کردن موضوعات هر یک از آیات؛ گام دوم) جمع بین موضوعات مشابه و دسته بندی آیات بر اساس قربت موضوعی؛ گام سوم) جمع بین دسته‌های مشابه تحت یک موضوع کلی‌تر؛ گام چهارم) جدا کردن مؤلفه‌های احکام به تفصیل و آیات تفصیلش؛ گام پنجم) مشخص کردن احکام احکام های سوره و نزدیک شدن به غرض سوره.

به بهانه تمرین کشف احکام و تفصیل سوره های قرآن، این هفته نشستیم سر سفره سوره مبارکه رعد!

در محضر این سوره مبارک، دریافتیم جان کلام سوره «صبر» است. سوره رعد برایمان از اولوا الالباب گفت. همانانی که صبرشان آنان را از سایرین متمایز می‌کند. همانانی که نگاهشان همواره به قرآن است؛ نگاهی که برایشان حیات و توجه و حلاوت تولید می‌کند. کسانی که همه حس‌های زندگیشان بر اساس همین کتاب شکل می‌گیرد. اولوالالباب با قرآن گریه می‌کنند. با قرآن می‌خندند،

همه هستی تا قربانیش کنی برای من...

آری چه ایت‌رند دشمنانت که کوثرِ را به قربانگاه می‌کشانند.

و چه نادانند دشمنانت که گمان می‌برند قربانی کردن برای من ابتر می‌ماند...

و کوثرِ جاری می‌شود به گستره هستی و در دل تاریخ و می‌شوید کتک‌هایشان

را و ابتر می‌ماند دشمنی‌هایشان...

آری چه ایت‌رند دشمنانت.

بود برایمان نیاورد!

آرزوهایمان تکاثرهایی بودند که به جای آرامش، ما را به نقطه‌ای دیگر برای

شروع حرص و طمع رساند!!

و اگر این آرزوها ما را به آرامش نمی‌رساند، چه شد که سرمایه ما صرف تکاثر شد؟ چه شد که نگاه از کوثر برداشتیم؟ بدون کوثر کدام گنج ناتمام می‌تواند

عطش ما به وجود کبریایی را سیراب کند؟

شیطان عهد بسته که ما را از حقیقت حیات دنیا غافل کند و این دنیای پست را آنقدر زیبا و بزرگ می‌نمایاند که خودمان و عهد مقدس و ارزشمندمان را از یاد می‌بریم.

نکنند که سرمایه ما تمام شود و سفرمان بدون هیچ توشه‌ای از کوثر حقیقت به انتها برسد...

با قرآن دوست می‌یابند و با قرآن دشمن‌هایشان را می‌شناسند!

از جمله آیات احکام سوره را نوزدهمین آیه یافتیم و آیات بیستم تا بیست و چهارم را تفصیلی برای آن شناسایی کردیم. این آیات اولوا الباب را مجهز به ده صفت معرفی می‌کنند: «وفای به عهد، تأخیر نکردن در کار خیر، پرهیز از گناه، پاسخ بدی با نیکی، خوف از روز حساب، صبر و پایداری، انجام امور برای ابتغاء وجه حق، توجه به نماز و ارتباط با خدا، اتفاق و در نتیجه پر کردن چاله های اجتماعی، آکنده بودن کارهایشان از حُسن»

وجه مشترک همه این صفات صبر است؛ طوری که هم این ده صفت در وجودشان ظرفیت صبر ایجاد می‌کند و هم صبر در وجودشان ظرفیت داشتن این حسن‌ها را می‌سازد. آنان کتاب را به ذکر تبدیل می‌کنند؛ اقبال‌ها و ادبارهایشان بر اساس همین ذکر است و با همین ذکر به اطمینان می‌رسند. به نتیجه رسیدن همه این مؤلفه‌ها به حرمت پایداری اولوا الباب در مسیر است.

خدایا کمکمان به برکت حضور در گردان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله یاد بگیریم بی‌فاصله از قرآن زندگی کنیم و قرآن برایمان به ذکری عملی و دائمی در زندگی تبدیل شود. ذکری که با تکیه بر آن در مسیری که تو می‌پسندی پایدار باشیم. آمین

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

صاحب امتیاز: احمدرضا اخوت

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت علیهم‌السلام (کاشفیون)

سر دبیر: نعیمه پورصالحی

امام صادق علیه السلام:

بعضی از مردم قریش به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردند: به چه سبب (رتبه و مقامت) از پیغمبران دیگر پیش افتاد در صورتی که در آخر و پایان آنها مبعوث گشتی؟ فرمود: من نخستین کسی بودم که به پروردگار ایمان آوردم و نخستین کسی بودم که پاسخ گفتم، زمانی که خدا از پیغمبران پیمان گرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که مگر من پروردگار شما نیستم؟ در آنجا من نخستین پیغمبری بودم که گفتم بلی، پس من در اقرار به خدای عزوجل بر آنها پیشی گرفتم (از این رو در مقام و رتبه از آنها پیش افتادم).

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶، روایت ۱

فاطمه پیوند

لیلا قنبریان

آسپه نیک صفات و آرزو احمدیان

کالیت هفتیه نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

به نام ســــــــــــلام رسول خوبے ها

در زمین پای می نهد او که آفرینش برای او آفریده شده است.

ما را در زیر کسایتان جای دهید، تا هر چه از ضعف و خستگی را که به جانمان است خریدار باشید. سر شما سلامت؛ که آسمان و گردش خورشید و ماه و جریان داشتن نهرها و هر آن‌چه در عالم جاریست، با محبت شماس‌ت و به محبت شما. رسول خوبی‌ها! چشمانمان منت کشِ حضور پر حصول شما باد که ثمره‌تان جاودان ماند تا ابد.

نفسی که بر ما می‌آید و می‌رود به محبت شما جاریست.

دست و پاهای ما به محبت شماس‌ت که درحرکتند برای انجام امور زندگی‌مان.

سقفی که بر سر ماست و سایه‌هایی که پناه ما هستند همه از افاضات وجود شماس‌ت.

پیشخــــــــــــــــوان

مدرسه حفظ قرآن

تأسیس مدرسه حفظ قرآن از طرح‌هایی است که به‌تازگی در دست برنامه‌ریزی قرار گرفته است. هدف از ایجاد این مدرسه، پرداختن به حفظ قرآن با روشی متفاوت از روش‌های مرسوم حفظ است که مبتنی بر تأکید صرف بر حواس، لحن و یادآوری و حافظه هستند. این مدرسه قصد دارد تا حفظ قرآن را با نگاه تدبری به سوره‌ها انجام دهد بدین ترتیب که دانستن و فهم غرض سوره‌ها مبنایی برای حفظ قرار می‌گیرد و حفظ به وسیله فهم این غرض‌ها در مراتب مختلف سوره انجام می‌شود. مطمئنا وقتی مفهوم و تدبر در حفظ هم‌زمان وارد شود، هم توانایی‌های مختلف حافظ قرآن بیشتر به کار گرفته می‌شود و هم نگرانی فراموشی سوره‌ها کاهش می‌یابد. آقای مختاری و خانم نوروزی از حافظین قرآن مدرسه و طراحان تاسیس مدرسه حفظ هستند. برای اطلاع بیشتر از جزئیات این طرح می‌توانید به مصاحبه با آقای مختاری در سایت کاشف مراجعه فرمایید.

بهار ثمردهی گردان‌ها

در مدارس سه‌گانه قرآن و عترت ^(ع.ج.ع) هر کلاس تدبر وقتی به سطح مناسبی از هماهنگی می‌رسد، برای هرچه عملیاتی‌تر شدن دانسته‌های اعضای کلاس، نام گردان به خود می‌گیرد و با نام یکی از اولیای خوب خدا، نیز مزین می‌شود. سال‌های اخیر برای مدرسه، فصل ثمردهی گردان‌ها بوده است.

یکی از ثمره‌های گردان‌ها که به‌صورت فردی یا جمعی انجام می‌شود، ثبت مطالب کلاس‌های گردان است. این ثبت نوشتاری، قالب‌های متفاوتی دارد. گزارش کلاس، سوره‌نوشت ادبی، متن قرآنی مرتبط با مناسبت‌های تقویم، تک‌جمله های ادبی و... که به ابتکار افراد نوشته شده و می‌شود، این اواخر حضور گسترده‌تری در فضای مجازی داشته است. گردان‌ها برای در دسترس قرار دادن این ثمرات برای اعضای گردان و عموم مخاطبین، فضای وبلاگ‌ها را برگزیده و همواره در به‌روز رسانی مطالب آن کوشا هستند.تعدادی از این وبلاگ‌ها عبارتند از:

گردان حضرت مریم ^(ع.ج.ع): http://gordanhazratmaryam.blogfa.com/

شنبه <p>۲۸ دی ۱۳۹۲</p>	سال سوم	۷۳
۱۶ ربیع الاول ۱۴۳۵	شماره	

نوری که با آن از تاریکی‌ها به‌درمی‌آییم همه از عظمت و شوکت شماس‌ت.

به اعتبار وجود شماس‌ت که همسر برمی‌گزینیم و نسل‌پروری می‌کنیم.

به اعتبار وجود شماس‌ت که تناول می‌کنیم و قوت حرکت می‌یابیم.

به خاطر گرمای‌داشت مقام شماس‌ت که روزمان شب می‌شود و شبمان روز؛ که هرچه در عالم جریان دارد و بنای جریان‌سازی دارد و تاب جاودان شدن، به اعتبار حضور گرم شماس‌ت.

پیامبر! اگر نبودید، هیچ یک از ما نبودیم؛ و اکنون که هستید، همگی هست یافته‌ایم.

پیامبر! ما را به درک لحظه به لحظه حضورت در زندگی برسانید تا با شما، با عقل کامل هستی، شیرینی لحظات زندگی دنیا را بچشیم.

کالیت هفتیه نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

پشت‌پنجره

مبنای ارتباط درست

از ختم مفهومی دوشنبه‌ها-سوره مبارکه ممتحنه

همه زندگی بر اساس ارتباط شکل می‌گیرد، از ارتباط من با توی انسان تا همه هستی تا خالق؛ اما آیا با همه می‌توان ارتباط داشت؟ کدام ارتباط ما را به صلاح می‌رساند و کدام به خسران؟ معیار در ارتباط چیست؟ چه چیز می‌تواند و باید من را با دیگری پیوند دهد یا به یک‌باره شکافی عمیق میان ما ایجاد کند؟ حق که می‌آید؛ باطل می‌رود و این یعنی شکاف و جدایی میان آنان‌که می‌خواهند بر صراط حق بیایند و آن‌ها که غل و زنجیر به باطل وصلشان کرده و از اینجاست که گسستن پیوندها آغاز می‌شود. گسستنی که گاه تا مرز جدایی از خانه و کاشانه پیش می‌رود و حتی همسری را بر شوهرش و شوهری را بر همسرش حرام می‌کند. این قطع ارتباط، امتحان و سنگ محکی است برای سنجش میزان صدق آن‌هایی که ادعای پذیرش ایمان دارند. چرا که قطع ارتباط و پیوند با آنها که سال‌ها همه زندگی‌ت بوده‌اند، کار آسانی نیست؛ مگر آنکه ایمان داشته باشی به قیامتی که یوم‌الفصل است و اقتدا کنی به اسوه حسنه (ابراهیم ^(ع.ج.ع) و یارانش) که کارکرد اسوه حسنه همین است که در لحظات حساس به او نگاه

در حریم رضوی

در هوای خورشید

طوس در عالم منعکس شود...

• **زمین ایوان طلا (سوره مبارکه زلزال)**

آقا حاجت دارم... می‌شود زمین ابدی‌ام، زمینِ ایوان

طلایت باشد؟! تا زلزله قدم‌های زائران تو زنده‌ام کند؟!

می‌دانم بعضی زائرانت آهسته راه می‌روند، انگار پهلو شکسته‌اند، یا فرقاشان شکافته، بعضی انگار جگر سوخته‌اند و یا سرشان بر نیزه است؛ و یکی انگار دلش غم دارد، غریب است.

آقا حاجت دارم... می‌شود زمین ابدی‌ام، زمینِ ایوان طلایت باشد؟! تا زلزله قدم‌های زائران تو زنده‌ام کند؟! و وقتی سر برداشتم در آن روز دیدنی، شما را ببینم؟! و دهانم به زیارت جامعه کبیره باز شود؟!

• **حرمی که هوایش گریه ندارد...**

تا چند ماه پیش که هنوز مجاور نبودم، هرچقدر هم که غصه‌دار و دلشکسته بودم، اما وقتی قدم به صحن حرم می‌گذاشتم چنان فرح و شادی وجودم را پر می‌کرد که هیچ غمی نمی‌ماند. گریه و اشکم که نشان از سوزِ سوزان دلم بود برطرף می شد. وقتی حرم می‌آمدم فقط حال خوب بود... و فقط شوق زیارت بود.. اشکی اگر بود، اشک آه و اندوه دل نبود. همیشه نظم این بود که حرم آقا شمس الشموس، اشک ندارد! همه‌اش رضاست!!!

اما راستش وقتی مجاور شدم، قاعده شکسته بود.

شنبه <p>۲۸ دی ۱۳۹۲</p>	سال سوم	۷۳
۱۶ ربیع الاول ۱۴۳۵	شماره	

کنی تا راه گم نشود.

البته اقتدا به اسوه حسنه هم مقدمات و اقتضائاتی دارد و با هیچ، نمی‌توان او را دید و به او تمسک جست و این اقتضا، جز از طریق سیستم **﴿يَرْجُوا اللَّهَ وَاليَوْمَ الآخِرِ﴾** حاصل نمی‌شود. اگر این سیستم در زندگی آدمی جاری شود و تمام اجزای زندگی او بر این اساس بنا شود، آن‌وقت هر حکم خدا برایش قیامتی می‌شود که وصلش می‌کند به خدا و فصلش می‌کند از غیر او و این‌گونه قیامت را قبل از وقوع به نظاره می‌نشیند.

سوره ممتحنه با بایدها و نبایدهایش، با نهی از منکرهایش و با اسوه حسنه‌اش می‌خواهد نقشه ارتباطات ما را سامان بدهد تا مرزبندی داشته باشیم و بدانیم کجا برانت بجویم و کجا تمسک. این سوره می‌خواهد خط و ربط مذاکره یا عدم مذاکره، شروط مذاکره و کجا و چه‌وقت و با چه‌کسی و چرایی آن را یادمان بدهد تا برای خودمان نقشه و استراتژی داشته باشیم تا از دشمن رودست نخوریم و در زمین او بازی نکنیم.

اگر سیستمان **﴿يَرْجُوا اللَّهَ وَاليَوْمَ الآخِرِ﴾** شود، مقتدایمان را می‌یابیم و آن‌وقت حکم‌های او که همان حکم خدایند، می‌شوند معیار ارتباط‌هایمان و این‌گونه ارتباط‌هایمان درست می‌شود و آن‌وقت همه زندگی‌مان درست می‌شود.

آنقدر اشک بود که از آقا خجالت می‌کشیدم!

می‌رفتم توی یک صحن خلوت پشت یک دیوار

آنقدر اشک می‌ریختم که... چون فقط آقا می‌داند غریب/قرب دلشکسته‌چه می‌کشد...

بالاخره طاقت تمام شد، یک روز رفتم دارالحجه، وسط گل قالی نشستم و هنوز زیارت‌نامه نخوانده، اشک امامن را برید... یادم آمد خواهر نازنین‌شان گفتند: در حرم برادرم زیاد بی‌تابی نکنید، ایشان قلب رئوفی دارند، طاقت ناراحتی و بی‌تابی زائرشان را ندارند (جملات دقیق نیست!). گفتم آقا ببخش دست خودم نیست... که نسیمی صورتم را نوازش کرد... اشکم خشک شد... نفس عمیقی کشیدم، نسیم معطر رفت به قلبم، آرام شدم...

همان شب سلطان، صله‌ای به من داد و راضی‌ام کرد... دوستی نصیبم کرد که می‌خواست راضی به رضای او باشد...

حالا من و مرضیه‌ی رضا ^(ع.ج.ع)، شده‌ایم گردان حضرت ابراهیم ^(ع.ج.ع). باید بیت القرآن بسازیم در زیر سایه خورشید طوس. اولین جلسه گردان حضرت ابراهیم ^(ع.ج.ع) با اشک و لبخند در دارالحجه برگزار شد.

حالا می‌فهمم چرا، حرم آقا شمس الشموس، اشک ندارد و همه‌اش رضاست!!!